



فقه سیاست « مکتب دفاعی



کد خبر: ۲۸۳۷

تاریخ انتشار: ۲۴ آذر ۱۳۹۵ - ۱۰:۳۱ - 14 December 2016

در یادداشتی بررسی شد؛

مبانی فقهی مبارزه با تروریسم

پایگاه اطلاع رسانی وسائل - نگاه برون‌فقهی به تروریسم در گرو بررسی آموزه‌های فقهی است؛ دو مقوله جهادگرایی و خون‌روایی (مهدورالدم‌شناختن دیگری) با برداشت ناروا، خاستگاه برخی رفتارهایی شده‌اند که با معنای امروزی تروریسم سازگاری دارد؛ اما حقیقت آن است که بر پایه دیدگاه فقه شیعی، مقوله‌های جهاد، از ریشه با اقدام‌های تروریستی همخوانی ندارد.

به گزارش سرویس مکتب دفاعی پایگاه اطلاع رسانی وسائل، تروریسم یکی از مقوله‌های مهم در حوزه امنیت ملی و بین‌المللی در جهان امروز است؛ این واژه در اصطلاح و لغت، واژه‌ای وارداتی است، با این وجود در منابع شیعه و آرای فقها، برخی مفاهیم همچون محاربه (اقدام مسلحانه به قصد ایجاد رعب و وحشت)، فتک (کشتن غافلگیرانه)، غدر (کشتن از طریق فریب و حيله‌گری) هستند که حرمت آنها مورد تأکید بوده و هست و به تعبیر بهتر، ترور یکی از بارزترین مصادیق آن است.

برداشت تقدس‌مآبانه از اعمال خشونت‌آمیز و ایجاد رعب، وحشت و ترور، جز در قالب اهداف سیاسی و فرقه‌ای نمی‌گنجد و نمی‌توان مصادیق آن را در مبانی نظری اسلام که تعریف و چارچوب مشخصی از جهاد به دست می‌دهد، پیدا کرد؛ بنابراین مبانی نظری اسلام در تقابل با اعمال خشونت‌آمیز و فعالیت‌های تروریستی تعریف شده است، چنان که بسیاری از بزرگان دینی از جمله پیامبر اکرم (ص) در لیلۃ المبیت و امامان معصوم (ع) قربانی تروریسم شده‌اند.

ترور و تروریسم واژگان لاتینی هستند که بعد از انقلاب فرانسه (1789) در ادبیات سیاسی غرب رواج یافته‌اند؛ تروریسم یک پدیده جهانی است و نمی‌توان ریشه آن را در قومیت، مذهب، کشور و یا ملت خاصی دانست؛ از سوی دیگر دنیای غرب، چند سالی است که سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدید آوردن و تقویت گروهک‌های تروریستی همچون القاعده و داعش، سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریستی و تروریست‌پرور معرفی کرد؛ اما اهداف سیاسی و عملکرد غیرانسانی این گروه‌ها را نمی‌توان به نام اسلام نسبت داد، چیزی که غرب آن را بهانه و دستاویز خود قرار داده است.

یکی دیگر از دلایل تقویت گروه‌ها و جریان‌های تروریستی افراطی و به راه انداختن جنگ‌های نیابتی به واسطه آنها از سوی آمریکا و برخی کشورهای غربی را می‌توان به نوعی حمایت از اقتصاد سرمایه‌داری و چرخاندن چرخ شرکت‌ها و کمپانی‌های اقتصادی آمریکایی و اروپایی در آینده نزدیک دانست.

سخنان جان پرکینز، مشاور اقتصادی آژانس امنیت ملی آمریکا در این باره قابل تأمل است که می‌گوید «اگر فقط یک امپراتور شریر وجود داشته باشد، ما مییم؛ در نظام سرمایه‌داری، اقتصاد بیش از آنکه علم باشد، وسیله توجیه راه‌هایی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده نظام است.

اکنون گاه آن است که به پا خیزیم و فریاد سردهیم که بدهی‌های کشورهای توسعه‌نیافته، غیر قانونی است و باید ابطال شود؛ اگر WFSF (منظور، اجلاس جهانی بررسی‌های اجتماعی در ژانویه 2005 در پورتو آگره برزیل است) فعالانه به دنبال آرمانی جایگزین برای وضع کنونی نباشد، برای کسانی که به حاشیه رانده شده و از هر حقوقی محروم مانده‌اند، تنها جایگزین ممکن، تروریسم خواهد بود؛ تروریسمی که آمریکای ابرشرکتی به استقبالش می‌رود و آن را بهانه قرار می‌دهد تا به دور باطل تروریسم-جنگ دامن زند و کشورهای ناهمراه را به آتش و ویرانی کشد و سپس، به بهانه بازسازی برای چپاول و غارت هرچه بیشتر در اختیار مالکان امپراتوری جهانی یعنی ابر شرکت‌ها قرار دهد.

آری 25 کشور در لیست انتظار محرمانه آمریکا برای تهاجم قرار دارند تا سپس توسط ابرشرکت‌های آمریکایی مثلاً بازسازی شوند؛ جهت صرفه‌جویی در وقت، قرارداد بسیاری از این بازسازی‌ها، حتی پیش از تهاجم آمریکا بین پنتاگون و ابرشرکت‌های خاصی به امضا رسیده است.» (پرکینز، جان؛ اعترافات یک جنایتکار اقتصادی، برگردان میرمحمد نبوی و خلیل شهاب، تهران: اختران، 1385، ص8)

مفهوم تروریسم

تروریسم، به رغم عدم وجود یک اجماع در تعریف آن، به نظر می‌رسد پیوندی تنگاتنگ با اهداف سیاسی دارد و بی‌تردید برای تمرکز یافتن بر بحث «تروریسم»، به ناچار باید تعریفی از آن ارائه داد، تا ماهیت آن به خوبی مشخص گردد.

به دلایل متعدد تاکنون نه تنها کشورها و اندیشمندان گوناگون نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی دست یابند، بلکه حتی سازمان ملل متحد نیز با این مشکل مواجه گردیده و بارها تلاش کرده است، تا برای ارائه تعریف مشترکی از «تروریسم»، که مورد قبول تمام کشورها باشد، به نتیجه مطلوبی دست یابد.

اما این تلاش‌ها راه به جایی نبرده است؛ چرا که منافع قدرتهای بزرگ اقتضا می‌کند تا «جنبش‌های آزادی‌بخش» همچون حزب الله لبنان، انصار الله یمن، گروه‌های مقاومت فلسطین تحت عنوان تروریسم قرار گیرند؛ اما سایر کشورها از این جنبش‌ها حمایت نموده و خواهان تقویت آنها هستند.

فرهنگ علوم سیاسی سه تعریف از تروریسم ارائه داده است:

1. نظام حکومت ترور و اعتقاد به لزوم آدم‌کشی و ایجاد وحشت در میان مردم و یا نظام فکری که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمارد.

2. کاربرد نظام‌مند ترور، به ویژه به عنوان وسیله اجبار، یا روا شمردن اقدامات دارای ماهیت وحشت‌آفرین در اذهان عامه و گروه‌های انسانی، مثل تروریسم انقلابی برای ساقط کردن حکومت، تروریسم ظالمانه برای حفظ حکومت یا دفاع از آن، تروریسم شبه‌انقلابی که از ترور برای نیل به هدف‌هایی مثل وادار کردن حکومت به تغییر سیاست یا در واکنش به سیاست حکومت استفاده می‌کند.

3. «تروریسم» به معنای مبارزه تروریستی روشن‌فکران انقلابی جدا از توده‌ها، عبارت است از: یک جریان خرده بورژوازی که در مرحله‌ای از جنبش انقلابی در اروپا ظاهر شد. (علی آقابخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، 1379، فراز 2949، ص 583)

در کنوانسیون کشورهای اسلامی، تروریسم چنین تعریف شده است «سوء قصد، تهدید جان افراد بی‌گناه و تهدیدهای دیگر، ایجاد رعب و ترس، آدم‌ربائی، گروگان‌گیری، رفتار خشونت‌بار، اقدام مسلحانه علیه افراد غیرنظامی و بی‌گناه، تعدی به جان و مال و حیثیت دیپلمات‌ها، ایجاد ناامنی و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی، مساعدت مالی به تروریست‌ها، تخریب یا تهدید به تخریب اموال شخصی و عمومی و محیط زیست.» (هاشمی، کامران؛ حقوق اسلامی در تقابل تروریسم بین‌المللی، راهبرد، شماره 21، پاییز 1380، ص 138)

نویسنده کتاب تروریسم صهیونیستی نیز در جمع‌بندی تعریف‌های لفظی مفهوم تروریسم سعی کرده تعریف جدیدتری از تروریسم ارائه دهد؛ لذا می‌نویسد «تروریسم عبارت است از هر نوع استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی به منظور ایجاد جو رعب و وحشت برای تحت تأثیر قرار دادن یا تسلط بر فرد، مجموعه‌ای از افراد یا کل جامعه؛ این کار برای دستیابی به هدف مشخصی است که شخص اعمال‌کننده خشونت در نظر دارد» (صفا، مجید، تروریسم صهیونیستی، تهران، جمعیت دفاع از ملت فلسطین 1381، ص 35)

واژگان ترور و تروریسم نیز اگرچه در عمل یکسان به نظر می‌رسند؛ اما بین این دو تفاوت‌های فاحشی وجود دارد؛ برخی ترور را در یک زمینه تاریخی، همچون شوروی در زمان استالین جستجو می‌کنند، اما برخی، تروریسم را شکل سازمان‌یافته‌تر ترور می‌دانند.

عده‌ای نیز معتقدند، ترور یک وضعیت انتزاعی است، حال آنکه تروریسم، یک فعالیت اجتماعی سازمان‌یافته است؛ پسوند «ایسم» نیز بر معانی گوناگونی دلالت می‌کند؛ از یک طرف، خصلت نظام‌مند بودن یک پدیده را مشخص می‌کند یا اینکه به سطح مفهومی و نظری اشاره دارد. (حاتمی، بهادر، خوانش اسلام از ترور و تروریسم، دو فصلنامه علمی، تخصصی خردنامه، سال پنجم، شماره 14، بهار و تابستان 1394)

تروریسم همچنین برخلاف ترور، که عملی «فردی و ضربتی» است و در «کوتاه‌مدت» انجام می‌پذیرد، جریان‌ی «گروهی و سازمان‌یافته و مستمر» است که اهداف گوناگونی را دربر می‌گیرد و از طرفی نیز، یک سطح عملی را نشان می‌دهد؛ از این‌رو، تروریسم، اقدامی جمعی و ناشی از سازمان‌یافتگی است که می‌تواند در جایگاه نوعی استراتژی سیاسی یا نظامی قرار گیرد.

به این معنا تروریسم، حیانه است که می‌کشد به کمک نظامی و از طریق...

به این سند تروریسم، برپایی است که می‌تواند به سمت سنی و بر سرین هراس‌افکنی مبتنی بر قهر، اهداف خویش را پیش ببرد. (انور خامه‌ای، شاه کشی در ایران و جهان، جامعه شناسی و تاریخ تروریسم، تهران، چاپخش، 1381، ص 20)

محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام

در گزارش مرکز ملی ضدتروریسم ایالات متحده آمریکا در سال 2006 آمده است که اسلام‌گرایان حدود 23 درصد مسؤلیت حوادث تروریستی جهان را پذیرفته‌اند.

در این گزارش، 21 درصد حوادث تروریستی به سنی مذهب‌ها و 2 درصد به شیعیان نسبت داده شده است.

حوادث 11 سپتامبر نیز زمینه‌ساز به کارانداختن اصطلاح «تروریسم اسلامی» شده است؛ اما با نگاهی به فقه اسلامی، نه تنها نمی‌توان اثری از تروریسم یا جهاد به شکل تروریسم امروزی پیدا کرد، بلکه چنین فعالیت‌هایی، در «تضاد» با مبانی نظری اسلام است. (عالی‌پور، حسن؛ نسبت مفهومی تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال 13، شماره 40، 1389، ص 121)

انتساب چنین فعالیت‌های تروریستی به مسلمانان، تنها در مورد گروه‌ها و فرقه‌های تندرویی مصداق دارند که شریعت اسلامی را در راستای اهداف سیاسی و فرقه‌ای خود تفسیر می‌کنند.

دین اسلام، مرتکبین جرایم اخلاق در نظم و امنیت را مورد نکوهش قرار داده است و روابط انسان‌ها را قاعده‌مند کرده و آنها را از هتک حریم یکدیگر منع می‌کند.

در اسلام، جان و مال تمامی انسان‌ها ارزشمند و محترم دانسته شده و نسبت به این امور حقوق متعددی وضع شده است؛ از مهم‌ترین دلایل محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام این آیه شریفه است که می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ تَفْسًا يَغْيِرُ تَفْسًا أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: 32)

بنابراین قرآن به صراحت انسان‌ها را از آدم‌کشی و فساد در زمین بر حذر می‌دارد و اعلام می‌دارد، هرکس، کسی دیگر را، بدون اینکه مرتکب قتل شود، به قتل برساند، مثل این است که همه انسان‌ها را به قتل رسانده است؛ در اینجا قرآن حکم قتل را تنها برای کسانی صادر می‌کند که خود مرتکب چنین عمل غیرانسانی شوند.

در آیه بعدی (33) سوره مائده سزای کسانی را که بر علیه خدا و پیامبرش محاربه می‌کنند و به فساد در زمین می‌پردازند را قتل، تصلیب یا قطع عضو و یا تبعید می‌داند.

بنابراین، این احکام، به صراحت موضع اسلام را در برخورد با محارب و مفسد فی الارض که منطبق با پدیده ترور و ویژگی‌های تروریستی است، مشخص می‌کند و احکام صادره نه به معنی ایجاد رعب و وحشت و ترور است، بلکه اقدامی بازدارنده علیه ترور و عناصر تاریخی پدیده امروزی تروریسم است.

یکی از واژگانی که در ادبیات معاصر عرب، معادل «ترور، ترس و وحشت» معنا شده است، واژه «ارهاب» است؛ این واژه صرفاً در معنای مطلق ترس و وحشت‌آفرینی به کار رفته است؛ اما ادبیات معاصر، آن را معادل ترور به کار برده است و ظاهراً لفظ عام (مطلق ترس) را در معنای خاص (ترس و هراس‌افکنی ناشی از ترور) به کار برده‌اند. (عبدالکریم عبدالهی نژاد و رمضان عباسپور؛ ترور از دیدگاه فقه؛ مطالعات اسلامی، فقه و اصول شماره 1، پاییز و زمستان 1390، ص 159)

واژه ارهاب و مشتقات آن که در قرآن ذکر شده، در معنای ترور به کار نرفته است؛ چنان‌که در این آیات ذکر می‌شود «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهیبون»؛ ای بنی اسرائیل، نعمت مرا که به شما ارزانی داشته‌ام به خاطر داشته باشید، به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید آنگاه است که من نیز به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد و تنها از من ترس داشته باشید.» (بقره، آیه 40)

همچنین در آیه: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و اخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم و ما تنفق من شی فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لاتظلمون»؛ شما مؤمنان برای مقابله با کافرانی که پیرامون شمایند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند بترسانید (و اندیشه هجوم به مسلمانان را از آنان سلب کنید) و نیز برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینانند و شما از آنان بی‌خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید و بدانید که هر چیزی را در راه خدا هزینه کنید، بی‌کم و کاست به شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد. (انفال، آیه 60)

فهودی هویدی از روزنامه نگاران عرب معتقد است «اصولاً واژه ارهاب، در فرهنگ اسلامی ما جایی ندارد و اخیراً راه یافته است و به تروریسم ترجمه شده است؛ آنچه در قرآن و احادیث نبوی آمده، واژه ترهیب است که از آیه 60 سوره انفال گرفته شده است «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» و منظور از ترهیب داشتن قدرت لازم برای ترساندن دشمنان خدا و دشمنان مسلمانان است و به معنای بازداشتن دیگران از تجاوز است و ارهاب در این صورت بار ارزشی و مثبت دارد، ولی اخیراً که به ترور ترجمه شده است یک معنای منفی گرفته است

و به چیزی در ردیف تعصب و تندروی و دگماتیسم مبدل گردیده است؛ بنابراین شاید بهترین ترجمه برای تروریسم «اعمال خشونت سیاسی» باشد.» (هویدی، فهودی؛ تروریسم و انواع آن و تلاش جهت گسترش معنی و مفهوم اصطلاح تروریسم، نشریه فرهنگ المجله شماره‌های 798 و 841، 1365، به نقل از مجله راهبرد، شماره 21، ص 137)

یا در آیه: «لا انتم اشد رهیه فی صدورهم من الله ذلک بأنهم قوم لا یفقهون»؛ هراسی که آنان از شما در دل خود دارند بیش از هراس‌شان از خداست، و این بدان سبب است که آنان مردمی هستند که نمی‌فهمند کارها به دست خداست» (حشر، آیه 13)

در این آیات، به وضوح مشاهده می‌شود که مشتقات کلمه «ارهاب» که در ادبیات جدید «ترور و وحشت» آمده است، هیچ‌گاه به معنای «ترور کردن»

ذکر نشده است و تنها صرف «ترس و ترساندن» معنا می‌دهد؛ در آیه اول و سوم، ترس و هراس از خداست و آیه دوم، ترساندن دشمنان خدا و مسلمانان است که بیشتر بر یک عامل بازدارندگی تأکید شده است.

اغتيال

واژه «اغتيال» یا «غیله»؛ از دیگر واژگانی است که برخلاف واژه ارباب، به معنای دقیق کلمه مترادف ترور است؛ معنای آن عبارت است از «کسی که دیگری را فریب دهد و در موضعی مخفیانه او را به قتل برسانند.» (مرعشی، محمدحسن؛ مبنای فقهی محکومیت تروریسم در اسلام؛ تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، به کوشش علیرضا طیب؛ تهران؛ مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، 1381، ص 28)

این واژه یا مشتقات آن در قرآن ذکر نشده است، اما در روایاتی که از ائمه اطهار(ع) ذکر شده است، می‌توان به رویکرد اسلام به چنین علمی پی برد؛ از جمله این روایت است که شخصی از امام صادق(ع) سؤال کرد: آیا در حق ناصبی اغتیا روا است؟ امام پاسخ دادند: «امانت را به همان کسی برگردان که تو را امین خود قرار داده و از تو طلب نصیحت کرده است، هر چند قاتل حسین(ع) باشد.» (کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج8؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367، ص 293)

علامه حلی در تذکره الفقها درباره اغتیا گفته است «اگر کافر در میان جنگ گمان برد که مسلمین قصد دارند به وی امان دهند در حالی که مسلمانان چنین مقصودی نداشته باشند و او با چنین گمانی تسلیم شود روا نیست او را غیله کنند و از روی فریب بکشند.» (حلی، حسن بن یوسف؛ تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البیت، 1414، ج1، ص415)

مرحوم صاحب جواهر نیز می‌گوید «امان مانع اغتیا است»؛ از این رو اگر با امان وارد دار الاسلام شد جایز نیست که او را از اغتیا به قتل برسانند. (نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام، بیروت، دارالتعارف، بی تا، ج21، ص 276)

فتک

واژه دیگری که در معنای نزدیکی به ترور و ویژگی‌های تروریستی قرار دارد، واژه «فتک» است؛ در ادبیات امروز عرب، فتک نیز در واقع مصداق دقیق ترور است. (عبدالکریم عبدالهی نژاد و رمضان عباسپور؛ ترور از دیدگاه فقه، ص 157)

معنای دقیق فتک عبارت است از «به طور ناگهانی به کسی یورش بردن و او را به قتل رساندن.» (مرعشی، محمدحسن؛ مبنای فقهی محکومیت تروریسم در اسلام؛ ص28)

در قرآن نیز همچون واژه «اغتیا» هیچ اشاره‌ای به «فتک» نشده است؛ اما در روایات اسلامی به برخی از این واژگان برمی‌خوریم؛ در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است «لیس فی الاسلام ایماء و لا فتک، ان ایمان قید فتک»؛ در اسلام ایماء و فتک جایی ندارد، همانا ایمان، فتک را زنجیر کرده است. (محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، ج3؛ قم؛ دارالحديث، 1375، ص

برخورد فقه با مسأله تروریسم

رابطه تروریسم و محاربه

در فقه سیاسی، سلاح برکشیدن و سلب امنیت و آسایش از مردمان با ایجاد خوف و وحشت، از جرائم مهمی است که مستوجب حد است؛ محاربه یکی از اعمال تهدیدآمیز است که در قرآن کریم خدای متعال دستور برخورد فاطعانه با آن را داده است؛ «اتّما جزاءالذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی العرض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم»؛ در این آیه که مجازات شدید اعدام و تبعید برای محارب مشخص شده، موضوع و هدف ارعاب و تهدید به صراحت ذکر شده و به جز کیفر دنیایی وعده مجازات دردناک تر اخروی نیز داده شده است.

در محاربه، وجود سلاح، نقش اساسی دارد و در برگزیده اقدامات تروریستی مسلحانه است؛ بنابراین شامل برخی دیگر از اقدامات تروریستی چون اقدامات خرابکارانه و یا تروریسم سایبری (اقدامات خرابکارانه الکترونیکی و اینترنتی) و با آلوده کردن محیط زیست و... نمی‌شود؛ از این رو می‌توان گفت رابطه محاربه و اقدامات تروریستی، عموم و خصوص مطلق است (اقدامات تروریستی عام و محاربه خاص).

البته می‌توان با تمسک به قرآن (آیه 33 سوره مائده) افساد فی الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد و برهم زدن نظم عمومی دانست و هر اقدامی در این راستا، همچون انواع اقدامات تروریستی را مستحق مجازات مفسد فی الارض قلمداد کرد. (شاهرودی، سید محمود، محارب کیست و محاربه چیست؟ مجله فقه اهل بیت؛ شماره 11 و 12، سال 76 و شماره 13 سال 77).

رابطه ترور و فتک

با توجه به روایات وارده در این باب، دایره فتک تنها شامل قتل؛ چه با انگیزه مالی و چه انگیزه سیاسی می‌شود و دیگر استفاده از روایات در توسعه این نهاد به سایر اقدامات تروریستی مشکل به نظر می‌رسد، ضمن این که این روایات، مجازاتی برای کسی که اقدام به فتک می‌کند معین نکرده و تنها می‌تواند دلالت بر حرمت کند.

رابطه غدر با اقدامات تروریستی

یکی از ضروری‌ترین روابط بین انسان‌ها روابط حقوقی است که با انعقاد پیمان، تبلور می‌یابد؛ بقای جامعه انسانی مبتنی بر وجود امنیت در این قبیل روابط است و لازمه چنین امنیتی، امکان اعتماد انسان‌ها به یک دیگر است؛ لذا آن گاه که دو نفر با یک دیگر پیمانی را منعقد میکنند، یکی از عمده‌ترین عوامل بقای آن، عدم سوء استفاده از اعتماد طرف مقابل و حفظ حرمت پیمان است.

اسلام نیز در این راستا، انعقاد پیمان را تجویز کرده و دستور به پایبندی به آن داده و فرموده «اهفما بالعقد» به سمان‌های خد هفا کند؛ (البته اسلام،

رعایت دستورات و شرایط معین شرعی را در همه پیمانها لازم دانسته است).

ازجمله قراردادهای مورد قبول اسلام در رابطه با غیرمسلمین، پیمان صلح و مهاده (قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس و نهاد امان است که عمل بدان، طبق ضوابط شرعی، لازم بوده و تا وقتی طرف مقابل، اقدامی علیه آن مرتکب نشده است، پایبندی به آن واجب است)؛ لذا کسی که بر خلاف این گونه پیمانها رفتار کند، مرتکب غدر شده است.

جایگاه حقوق معاهداتی شیعه در تنظیم استراتژی دفاع مشروع شیعیان به چند دلیل اهمیت مضاعف دارد: نخست آن که شریعت اسلامی، مسلمانان را مجاز میداند که وارد معاهداتی با رضایت طرفین به صورت دو یا چند جانبه شوند؛ دوم، آن که چون فقه شیعه، نقض میثاق ها و امان ها (غدر) را تحریم کرده است، هر نوع فعالیت دفاعی، لزوماً ملتزم به معاهدات و قراردادهای پذیرفته شده در میثاقهای دو جانبه یا روح کلی میثاقهای بین‌المللی می‌باشد که دولت‌ها و جوامع اسلامی نیز آن را امضا کرده اند. «(فیرحی، داود، دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه، فصل نامه شیعه شناسی، تابستان 1383، شماره 6)

از این رو توسل به زوری که بر خلاف این هدف مهم اسلام باشد می‌تواند در غالب تروریسم نیز نمود پیدا کند؛ به ویژه که اغلب کشورهای اسلامی در معاهدات و قطعنامه‌هایی که بر ضد تروریسم بوده؛ چه در سازمان ملل و غیر آن، شرکت فعال دارند.

دایره غدر نیز وسیع بوده و بسیاری از اقدامات تروریستی را در بر می‌گیرد؛ لذا اقدام به اعمال خشونت‌آمیز، ظالمانه و غافلگیرانه از آن جا که هدفی غیرقانونی را پی می‌گیرد (برخلاف پیمان مشروع است) اقدام به غدر یا به تعبیری دیگر اقدامی تروریستی شده است؛ حتی فقها غلول؛ یعنی دست‌اندازی به مال کافر را نیز در این حال حرام میدانند. (طارمی، محمد

حسین، بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی، نشریه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره 41، بهار 1387)

البته عنصر کلیدی در غدر، عهدشکنی و امان‌شکنی است؛ لذا در جایی که این عنصر نباشد نمی‌توان آن اقدام تروریستی را غدر خواند.

ازجمله اقدامات تروریستی که تحت عنوان غدر قرار می‌گیرد ترور شخصیت‌های خارجی سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... است که کشور میزبان با اعطای ویزا و اجازه ورود به ایشان؛ نوعی از پیمان امان را می‌پذیرد و لذا جان و مال او تحت لوای امنیت کشور اسلامی باید محفوظ و محترم بوده، امنیت ایشان تأمین گردد؛ از این رو هرگاه برخلاف تعهد خویش، امنیت جانی ایشان را تأمین نکند و در نتیجه، طعمه اقدامی تروریستی گردند، کشور میزبان، مرتکب غدر شده است. برای مثال، کشور مسلمان لیبی به دلیل این که به امام موسی صدر، امان داد و برخلاف امان خویش، امنیت جانی وی را تأمین نکرد و در نتیجه، وی قربانی اقدام تروریستی ربوده شدن گردید، می‌توان گفت، مرتکب غدر شده است.

در قانون تعزیرات ماده 516 سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران به مجازات محارب محکوم است که این خود در غالب غدر نیز قرار می‌گیرد. گرچه مجازات او همان مجازات محارب است؛ زیرا

به دولت اسلامی ایران به رئیس کشور خارجی امان داده و امنیت وی را تضمین کرده است. بدین سبب است که قانونگذار ایرانی با وضع چنین قانونی و قوانینی از این دست، اقدامی پیشگیرانه را پی گرفته است. (همان)

رابطه اقدامات تروریستی و بغی

مؤلفه‌های تروریسم در بغی نیز موجود است؛ چرا که هم هدفی نامشروع را پی می‌گیرد و هم دارای خشونت و توسل به زور است و هم ظالمانه و ممکن است مخفیانه باشد و هم با هدف ارباب پیروان امام که توده مردم را تشکیل می‌دهند، است.

البته در میان اقسام تروریسم، بغی در حوزه ترور با اهداف سیاسی جای می‌گیرد و انواع اعمال تروریستی؛ اعم از قتل، جرح، بمب‌گذاری، تخریب و حتی آلوده کردن محیط زیست و دیگر اقدامات سیاسی، فرهنگی و نظامی براندازانه حکومت را دربر می‌گیرد.

هر نوع اقدامی در جهت مخالفت و سرپیچی از حکومت مشروع، داخل در عنوان بغی است؛ مرحوم کاشف الغطا می‌فرماید «هر کسی که بر امام (ع) یا نائب عام یا خاص او تعدی کند و از اطاعتش سرپیچی کند، داخل در بغات و جزو آنان شمرده می‌شود.» (طارمی، محمد حسین، بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی، به نقل از الحدائق الناظره، الشیخ یوسف بحرانی، ج 15، ص 423)

برخی از جرایم، علیه امنیت را به سبب این که در راستای مخالفت با حکومت مشروع است، می‌توان در قالب بغی بررسی کرد؛ صاحب جواهر و نیز شهید ثانی در شرح لمعه پس از تصریح به وجوب جنگ با بغات و مخالفین

امام؛ آن را مشروط به خواست امام یا منصوب از سوی وی می‌نمایند و تعیین مصادیق خروج بر امام را برعهده امام و منصوب وی می‌گذارد.

از آنجا که طبق نظریه ولایت فقیه، ولی فقیه می‌تواند عهده‌دار وظایف سیاسی امام گردد، لذا ولی فقیه نیز می‌تواند به تعیین مصادیق بغات بپردازد؛ از این رو برخی جرایم، علیه امنیت که با هدف مخالفت یا براندازی حکومت اسلامی ارتکاب می‌یابد، نیز از این باب، قابل بررسی است.

جمع‌بندی

در اسلام به برخی واژگان و ویژگی‌ها و عناصر مربوط به ترور و تروریسم برمی‌خوریم، چنان که واژگان «ارهاب»، «اغتیال»، «فتک»، و «محاربه» در معنای ترس و وحشت، ترور و سایر ویژگی‌های یک عمل تروریستی به کار رفته‌اند.

در قرآن، احادیث و روایات اسلامی هرچا که به چنین واژه‌هایی اشاره شده است، تأکید به مخالفت و محکومیت چنین اعمالی است.

با استناد به این منابع، اقدام به محاربه، فتک و اغتیال، به جد نهی شده است و در آیاتی از قرآن (سوره مائده، 33 و 32) به صراحت حکم کسانی که مرتکب چنین اعمالی شدند، بیان شده است.

نگاه برون‌فقهی به تروریسم در گرو بررسی آموزه‌های فقهی است؛ دو مقوله

جهادگرایی و خون‌روایی (مهدورالدم‌شناختن دیگری) با برداشت ناروا، خاستگاه برخی رفتارهایی شده‌اند که با معنای امروزی تروریسم سازگاری دارد؛ اما حقیقت آن است که بر پایه دیدگاه فقه شیعی، مقرره‌های جهاد، از ریشه با اقدام‌های تروریستی همخوانی ندارد.

در تروریسم، بیشتر کسانی که از سر غافل‌گیری کشته می‌شوند، بی‌گناه و ناشناخته بوده و در کارزار با تروریست‌ها نبوده‌اند؛ از این‌رو، تروریسم هیچ توجیه شرعی ندارد و با پذیرش این نکته در نزد مسلمانان، انگ‌زنی کشورهای غربی نیز کم‌رنگ خواهد شد.

نگاه درون‌فقهی به تروریسم، با مانند‌کردن این پدیده با محاربه (به عنوان یک بزه مستوجب حد) یا بغی (به عنوان یکی از طرف‌های جهاد با مسلمانان پیرو امام عادل) و در نتیجه، کيفردادن تروریست‌ها یا جنگیدن با آنهاست.

بنابراین دین مبین اسلام دارای آموزه‌هایی است که نه تنها حرکات تروریستی را غیر مشروع می‌داند، بلکه توجه به احکام متعالی اسلام، این دین می‌تواند منشأ ایجاد قوانینی در نظام روابط بین‌الملل باشد که ریشه تروریسم را در جهان می‌خشکاند.

مجتبی عباسی

منابع

قرآن کریم

1. پرکینز، جان؛ اعترافات یک جنایتکار اقتصادی، برگردان میرمحمد نیوی و خلیل شهاب، تهران: اختران، 1385.
2. علی آقابخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، 1379.
3. هاشمی، کامران؛ حقوق اسلامی در تقابل تروریسم بین‌المللی، راهبرد، شماره 21، پاییز، 1380.
4. صفا، مجید، تروریسم صهیونیستی، تهران، جمعیت دفاع از ملت فلسطین، 1381.
5. حاتمی، بهادر، خوانش اسلام از ترور و تروریسم، دو فصلنامه علمی، تخصصی خردنامه، سال پنجم، شماره 14، بهار و تابستان 1394.
6. انور خامه‌ای، شاه‌کشی در ایران و جهان، جامعه‌شناسی و تاریخ تروریسم، تهران، چاپخش، 1381.
7. عالی‌پور، حسن؛ نسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال 13، شماره 40، 1389.
8. عبدالکریم عبدالهی نژاد و رمضان عباسپور؛ ترور از دیدگاه فقه؛ مطالعات اسلامی، فقه و اصول شماره 1، پاییز و زمستان 1390.
9. هویدی، فهوی؛ تروریسم و انواع آن و تلاش جهت گسترش معنی و مفهوم اصطلاح تروریسم، نشریه فرهنگ‌المجله شماره‌های 798 و 841، 1365.
10. مرعشی، محمدحسن؛ میانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام؛ تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، به کوشش علیرضا طیب؛ تهران؛ مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، 1361.

11. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج8؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367.
12. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، ج3؛ قم؛ دارالحديث، 1375.
13. شاهرودی، سید محمود، محارب کیست و محاربه چیست؟ مجله فقه اهل بیت؛ شماره 11 و 12، سال 76 و شماره 13، سال 77.
14. فیرحی، داود، دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه، فصل نامه شیعه شناسی، تابستان 1383، شماره 6.
15. طارمی، محمد حسین، بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی، نشریه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره 41، بهار 1387.
16. حلی، حسن بن یوسف؛ تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البیت، 1414، ج1.
17. نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام، بیروت، دارالتعارف، بی تا، ج21.

د/825/702



گزارش خطا

برچسب ها: فقه حکومتی، تروریسم، ارهاب، اغتیال، فتک، محاربه، اسلام، ولایت فقیه، مسلمانان، وسائل

لینک کوتاه : vasael.ir/0000zt

اشتراک گذاری:

ارسال نظر

نام:

ایمیل:

* نظر:

ارسال

برترین ها

خبر برگزیده

- سقط جنین مدل نوین زنده به گور کردن فرزندان است / مشترکات جاهلیت قدیم و مدرن
- تأثیر مثبت رسانه‌های تخصصی در خنثی کردن ترفند رسانه‌ای دشمن / «فقه حکومتی» پشتوانه علمی انقلاب اسلامی
- **ضرورت توجه به نظریه ارتباطات در فقه رسانه**

○ طعمه یا امانت؛ اخلاق حرفه‌ای کارگزاران عمومی در اندیشه علوی

○ نشست علمی «قدس و فلسطین در آینه فقه مقاومت»

📺 مبانی دینی دفاع از قدس شریف

○ معرفی کتاب | اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

📷 اطلاع نگاشت | سیره عملی و گفتاری علمای شیعه در حمایت از فلسطین

○ فقه القضا | بررسی حکم انواع رشوه در غیر باب قضا

آخرین اخبار

○ نظام موظف به پشتیبانی مالی و جانی از گزارشگران فساد است

○ مستثنیات نظارت شورای نگهبان بر اقدامات مجلس شورای اسلامی

○ نقش منفی دنیامداری نخبگان و خواص بر انحراف جامعه

○ محرومیت مجرم از حقوق اجتماعی در جرایم عمدی

○ بررسی مشکلات بین حضانت و ولایت از نظر فقهی و حقوقی

○ پیشگیری از فساد در منظومه فکری اسلام ناب مهم‌تر از مجازات مفسدان است

○ سن ازدواج از شاخص‌های مهم برای ارزیابی بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود / افزایش سن تمایل به تجرد زیستی را بیشتر می‌کند

○ افراد ضعیف‌الایمان؛ مهم‌ترین طعمه منافقین در دولت اسلامی

○ فقه بورس | بررسی ادله وکالت شخص حقوقی

○ عرصه‌های حقوق بشر اسلامی و کرامت انسان و پیشنهادهایی برای ضمانت اجرای آن

اوقات شرعی



استان مورد نظر را انتخاب کنید



شهر مورد نظر را انتخاب کنید

۱۴۰۲ / ۰۴ / ۰۶

قم

۰۴:۰۹:۳۰

اذان صبح

۰۵:۵۵:۳۲

طلوع آفتاب

۱۳:۱۰:۰۲

اذان ظهر

۲۰:۲۳:۲۵

غروب آفتاب

۲۰:۴۳:۰۲

اذان مغرب

تمام حقوق مادی و معنوی این سایت متعلق به وسائل می باشد و استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

طراحی و تولید: "ایران سامانه"